

فصل نامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره دوم- تابستان ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۰

بررسی سبک شناسی محتوایی و ساختاری معما، لغز و چیستان در دیوان عثمان مختاری

(ص ۱۰۶ - ۸۷)

علی اصغر باباصفیری (نویسنده مسئول)^۱ پروین ضیا خدادادیان^۲

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

یکی از انواع ادب غنایی، معما، لغز و چیستان است که از دیر باز مورد توجه شاعران و مخاطبان آنها بوده است. «عثمان مختاری» شاعر قصیده سرای قرن پنجم و ششم، از جمله شاعرانی است که به این نوع ادبی توجه خاص داشته است و انواع لغز و چیستان در دیوان وی مشاهده می شود. فراوانی لغزها و چیستانها و تنوع موضوعی آنها در دیوان اشعار عثمان مختاری، او را به شاعری صاحب سبک در این زمینه تبدیل کرده است. تا کنون این لغزها و چیستانها مورد بررسی قرار نگرفته اند و هدف این تحقیق بررسی سبک شناسانه محتوا و ساختار معما، لغز و چیستان در دیوان اشعار عثمان مختاری است.

نتیجه به دست آمده نشان میدهد که عثمان مختاری نمونه‌های قابل توجهی از لغز و چیستان را در قالبها و اوزان شعری متنوع سروده و در این کار بسیار هنرمندانه عمل کرده است. او از انواع علوم و صناعات ادبی در آفرینش شعری خود بهره جسته است و شیوه کار او را میتوان به عنوان مشخصه خاص سبکی شعر او قلمداد کرد. همچنین در بررسی دیوان اشعار وی به هیچ موردی از معما برنمیخوریم و این امر نشان دهنده این است که در قرن پنجم و ششم معما و معما سرایی رواج چندانی نداشته و به صورتی که در قرون بعد میبینیم دغدغه ذهنی شاعران نبوده است.

کلمات کلیدی: شعر، عثمان مختاری، لغز، چیستان، محتوا، ساختار، سبک

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (babasafari44@gmail.com)

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان (parvinzia@gmail.com)

۱- مقدمه

در شعر فارسی دری، از عهد رودکی به این سو، طرح لغز و چستان، چه به شکل صریح و یا غیر صریح جزو سرگرمیهای شاعران و مخاطبان آنها بوده است: «یکی از وظیفه‌های شاعر درباری سرگرم کردن درباریان بود و از این رو، شاعر سعی بر این داشت که اشعار پیراسته تر و گیراتری برای شنوندگان خود بسراید. او توجه خاصی نسبت به قصاید داشت و سعی میکرد که در اولین ابیات، توجه و کنجکاوی شنوندگان را به خود جلب کند. به علت همین توجه ویژه به گیرایی شعر و تصویرسازی دقیق و موشکافانه از طریق استعاره بود که بسیاری از توصیفات حالت چستان به خود گرفتند بدون این که نام چستان بر آنها اضافه شده باشد. نسیبهای بسیاری هستند که در سده های پنجم و ششم سروده شده اند که باد و اسب و قلم و غیره را توصیف میکنند و با وجود نداشتن عنوان چستان میتوان گاهی آنها را چستان نامید.» (همان: ۱۱-۱۲)

تا قرن هشتم هجری، معما و معماگویی با تعریفی که گفته شد کمتر در شعر شاعران دیده میشود و از آنجا که شاعران هنوز به سرودن اشعار دشوار روی نیاورده اند، در نتیجه، غلبه با لغز و چستان است. زیرا در چستان، شاعر با توصیفات و تعبیراتی اسم مورد نظر خود را وصف میکند که خواننده بدون آگاهی از دانشهای خاص بتواند به مفهوم مورد نظر او پی ببرد.

شاعران عهد غزنوی کمابیش به سرودن لغز و چستان پرداخته اند و بعضی از این لغزها و چستانها در کتب بلاغی و ادبی آن روزگار راه یافته و مشهور شده است اما در این میان نکته ای که به نظر عجیب می آید، عدم توجه نویسندگان کتب بلاغت به اشعار عثمان مختاری است.

عثمان مختاری در میان شاعران عصر خود بیشترین توجه را به لغز و چستان نشان داده است و آنها را با مضامین متنوع و در قالبها و وزنهای متعددی ارائه داده است. تنوع موضوعی و تعداد قالبهای شعری مورد استفاده او در خلق لغز و چستان بسیار قابل توجه است و نمیتوان به راحتی از آن گذشت و این موضوع را باید به عنوان یکی از ویژگیهای سبکی در شعر عثمان مختاری در نظر گرفت.

در این مقاله تلاش شده است که ضمن معرفی کامل انواع لغز و چستان در دیوان عثمان مختاری و بررسی محتوایی و ساختاری لغزها و چستانها، روش کار عثمان مختاری را به عنوان یکی از شاخصه های سبکی این شاعر به خواننده عرضه نماید.

۲- پیشینه تحقیق

هر چند که در ادب فارسی ، لغز و چیستان از موضوعات سرگرم کننده بوده است و در ادوار گذشته ، توجه زیادی به آنها شده و شاعران زیادی به آن پرداخته اند ؛ اما پژوهشهای جامع علمی در باب محتوا و ساختار لغز و چیستان در آثار شاعران به شکل منفرد صورت نگرفته است و پژوهشگران ، عمدتاً در مقالات و کتب یا به چیستان و لغز به شکل موضوع حاشیه‌ای پرداخته اند و یا چیستانها را به صورت جُنگ فراهم آورده اند و یا در ضمن مطالب و مضامین مقالات و کتب نمونه‌هایی از لغز و چیستان شاعران را به فراخور موضوع مطرح نموده‌اند. در این میان میتوان به مقالات : سیر تحول و کاربندی چیستان در شعر فارسی، علی اصغر سید غراب ، مجله نشر دانش، شماره ۹۶ و چیستان ، نخستین تجلی گاه تصویرهای پارادوکسی در شعر فارسی ، غفار برج ساز، فصلنامه زبان و ادب فارسی ، شماره ۳۹ و ریخت شناسی چیستانهای منظوم محلی ، حسن ذوالفقاری ، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه ، شماره ۱ و کتاب چیستان، مقبول دیروز ، مغفول امروز ، سید علیرضا هاشمی ، انتشارات سروش و چند کتاب و مقاله دیگر اشاره نمود .

لازم به ذکر است که در مقالات و پژوهشهای مذکور تقریباً هیچ جا به نام عثمان مختاری و لغزها و چیستانهای وی اشاره نشده و در تحقیقات سبک شناسی نیز به اشعار این شاعر توجه چندانی نشده است. لذا این مقاله ، لغزها و چیستانهای دیوان عثمان مختاری را به عنوان یک شاخصه سبکی از لحاظ محتوا و ساختار مورد بررسی قرار میدهد.

۳- متن

پیش از پرداختن به بحث محتوایی و ساختاری لغزو چیستان در شعر عثمان مختاری باید به این نکته مهم اشاره نمود که استاد علامه جلال الدین همایی ، حواشی ارزشمندی بر دیوان عثمان مختاری مرقوم فرموده اند . ایشان در ذیل قصیده‌ای در مدح خواجه ابوالمظفر محمد بن ابوالفتح بن مسعود چنین نگاشته اند: «توضیحاً این عنوان و سایر عناوین اواسط قصیده را یعنی « وصف گل و میوه های زمستانی » و « وصف قلم » و « وصف کتاب و دفتر » و « وصف بار گیر » که غالب به گونه قطعہ القصیده و لغز ادبی آمده و فهم آن محتاج دقت و تأمل کافی است ، نگارنده مخصوصاً برای مزید توضیح علاوه کردم تا خوانندگان از ابتدا متوجه مقصود شاعر باشند و از رنج و دغدغه‌هایی که بار خاطر نگارنده در حل عقدۀ این الغاز برده است ، خاطر ایشان آسوده و سبکبار باشد . امید است که از زحمت بی حد

بنده که در تصحیح و توضیح مشکلات دیوان مختاری کشیده ام، حد اقل راحت و آسایش به دیگران عاید گردد و محتاج زحمت مجدد نباشد. «مختاری، ۱۳۹۱: ۱۳۷»
براین اساس، لغزها در دیوان عثمان مختاری توسط علامه همایی مشخص شده است و چیستانهای دیوان وی نیز با توجه به ماهیتشان که عنوان «چیست آن» را بر پیشانی خود دارند، قابل شناسایی و بررسی میباشد.

این مقاله ابتدا محتوای لغزها و چیستانها و پس از آن ساختار را مورد بررسی قرار میدهد

۴= بررسی محتوایی لغزها و چیستانها

دیوان اشعار عثمان مختاری دربردارنده انواع قالبهای شعری است اما بیشترین قالب شعری که به آن پرداخته است، قالب قصیده میباشد و محتوای قصاید وی عمدتاً مدح است. او پادشاهان و بزرگان عصر خود را مدح کرده و بسیاری از قصاید را به نام آنان سروده است. دو مثنوی دیوان وی نیز به همان بزرگان تقدیم شده است: مثنوی هنرنامه‌ی مینی را به نام‌مین الدوله، امیر اسمعیل گیلکی، ملک طیس و مثنوی شهریار نامه را نیز برای علاءالدوله مسعودبن ابراهیم سروده است. (ر.ک: مختاری، ۱۳۹۱: ۷ و ۸۷۸)
در این بخش محتوای لغزها و چیستانها از دو جنبه سبک‌شناسی و زیبایی‌شناسی بررسی میشود.

۴-۱- دیدگاه سبک‌شناسی

عثمان مختاری شاعر قرن پنجم و ششم است که برخی از ویژگی‌های سبک‌شناسی شعری این دوره را در لغزها و چیستانهای دیوان او میتوان یافت. از جمله: (۱) اشاره به علوم مختلف از قبیل نجوم و طب و تفسیر و فلسفه؛ (۲) اشاره به قرآن و حدیث و ضرب‌المثل عربی؛ (۳) اشاره به مسائل فلسفی و حکمی؛ (۴) توجه به صنایع بدیعی و بیانی. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۷۷)

۴-۱-۱- اشاره به علوم مختلف

با مطالعه اشعار دیوان عثمان مختاری، به آشنایی و تسلط این شاعر به علوم مختلف پی میبریم. او در لغزها و چیستانها اصطلاحات این علوم را جهت متصور ساختن موضوع مورد نظر خود به کار گرفته است. به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

الف) اشارات علم طب

نباتی که به حیوان همی بود راغب بروح نامیه، از نفس ناطقه نایب
(مختاری: ۲۹)

بیت مربوط به لغز قلم است و « اشاره به سه روح نباتی - حیوانی و انسانی دارد . به عقیده اطبا و حکمای طبیعی قدیم که گویند روح نباتی یا روح نامیه ، مایه قوه نشو و نما ، و روح حیوانی منشأ حس و حرکت ارادی و روح انسانی یا نفس ناطقه منبع شعور و ادراک کلیات است .» (همان : ۲۹)

طبعش همی ز خوردن خون معتدل شود کو سرد و خشک باشد و خون باز گرم و تر
بیت مربوط به لغزشمشیراست : « طبع آهن سرد و خشک است ، ضد طبیعت خون که گرم و تر است و از آمیزش اضداد ، طبیعت معتدل حاصل شود.» (همان : ۱۷۷)

گفت پس چیست آن جماد حکیم دارد از زعفران و سرمه نهاد
لنگ و رهوار و تندرست و سقیم زان کند چشم روشن و دل شاد
(همان : ۷۳۵)

بیت مربوط به چیستان قلم است و اشاره دارد به خواص طبی زعفران ، که موجب شادی میشود و سرمه ، که نور چشم را زیاد میکند.

از زمرّد و اندرو چون چشم افعی گوهرش نیک ملنده است از زمرّد چشم افعی بی الم
(همان : ۳۲۰)

بیت در وصف شمشیراست و به تأثیر کانیها و خواص آنهاو اعتقاد قدما به کور شدن چشم افعی در مقابل درخشش زمرّد اشاره میکند.

ب) اشارات علم نجوم

در صفت سفینه کتاب و دفتر:

بر آسمان معنی بی آفت کسوف بر صفحه چو روی سطرلاب حل شود
اجزای سایه را بهم آورده بر قمر از خط استوات مقادیر چرخ زر
(همان : ۱۷۱)

در چیستان دولت جوان:

گفت پس چیست آن جوان لطیف آفتاببست مانده در یک حال
چون خرد عالی و چو روح شریف باز رسته ز انقلاّب و زوال
(همان : ۷۳۳)

در چیستان تیر و کمان:

گفت پس چیست آن شهاب اجل چون ز شاخ گوزن حمله برد
نیم چرخ ار چه نام خانه اوست سر او بر شده به برج حمل
زهره شیر آسمان ببرد دور نه چرخ در میانه اوست
(همان : ۷۳۹)

۴-۱-۲- اشارات قرآن و حدیث و ضرب المثل عربی

ای نگار کهربا پیکر، بت یاقوت سار دست بند موسی شد لبیت از فر آن کز ابتدا
آتش عنبر دخانی ، عنبر آتش بخار امتحان را ، بوسه دادی بر نگین شهریار
(همان : ۱۰۷)

در این بیت نیز تلمیح به ید بیضای حضرت موسی (ع) دارد و نیز در مصراع دوم اشاره به شیوه تراش نگین می‌کند که به منظور نگه داشتن و ثابت کردن نگین ، آن را در موم که ماده اولیه شمع است قرار میدادند.

در آب اگر حیات نه لادند پس چرا هر که آب او بخورد ، حیاتش رسد به سر
(همان : ۱۷۷)
بیت در صفت شمشیرسروده شده و اشاره به بخشی از آیه ۳۰ سوره انبیا دارد: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا.

شقیش حصن دولت ، چون خنجر علی است نو کیش یار ملت ، چون درّه عمر
(همان : ۱۷۸)
بیت در صفت قلم سروده شده است . « درّه به معنی تازیانه که عمر بن الخطاب به داشتن آن معروفست چنانکه حضرت علی (ع) به داشتن ذو الفقار .» (همان : ۱۷۸)

نعوذ بالله اگر یاد او برد یا جوج بریده گردد صد جای سد اسکندر
(همان : ۲۰۲)

بیت در صفت شمشیر سروده شده است . تلمیح دارد به داستان ذوالقرنین و یا جوج و مأجوج و ساختن سد آهنین توسط ذوالقرنین برای مقابله با فساد این دو که در سوره کهف آیات

۹۸-۹۳ آمده است. از سویی دیگر در اساطیر نام اسکندر و ذوالقرنین با هم خلط شده است و شاعر به این جهت نام او را در کنار نام یاجوج و ماجوج آورده است.

دیو چهره شهاب حور سخن سحر پرورده کلیم ثعبان تن
(همان : ۷۳۵)

بیت در صفت شمشیرسروده شده است و تلمیح به آیات قرآنی دارد. مصراع اول اشاره به دور کردن شیاطین توسط شهاب ثاقب است که در آیه ۱۸ سوره حجر آمده و مصراع دوم نیز به داستان مشهور حضرت موسی (ع) و ساحران دربار فرعون دارد که شرح آن در سوره طه آیات ۵۷ الی ۷۴ آمده است.

ز آنچه در وعده زو بیاساید چون طعام بهشت خوی زاید
(همان : ۷۴۱)

درصفت خوان کرم ، اشاره به مضمون حدیث مأثورشعی و سنی که از طعام اهل بهشت عذره و مدفوع مکروه تولید نمیشود بلکه از آن عرق خوش بوی میزاید : «بل لا یتولد من مأکولهم (ای ماکول اهل الجنه) الا العرق الذی یجری من اعراضهم اطیب من رائحه المسک. « (همان : ۷۴۱)

۴-۱-۳- اشاره به مسائل فلسفی و حکمی

چون خودی را زنده گردانی به جان خویشتن پس تو در دین تناسخ حجتی ای استوار
(همان : ۱۰۶)

بیت در لغز شمع آمده است و به نظریه تناسخ اشاره دارد که به مفهوم زائیده شدن دوباره پس از مرگ می‌باشد.

ز آن چرخ مثالست کز نهیبش او را بنسوده است فعل از ارکان
بیت درصفت شمشیر آمده است و اشاره است به مسأله فلسفی که میگویند عالم ارکان یعنی عناصر اربعه را در فلک و فلکیات تأثیر نباشد. «(همان : ۴۱۱)

زیرا که جوهرت به عرض قایمست و هست از روز روشنت شب تیره منیر تر
(همان : ۱۷۲)

بیت در صفت سفینه کتاب و دفتر سروده شده است و اشاره به دو اصطلاح جوهر و عرض دارد که از واژه‌های کلیدی فلسفه است.

۴-۱-۴ - توجه به صنایع بدیعی و بیانی

در محتوای لغزها و چیستانهای عثمان مختاری آرایه‌های زیادی با هدف هدایت مخاطب به سوی شناخت و تشخیص لغز و چیستان آورده شده است. از جمله این آرایه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) آرایه پارادوکس

یکی از پر کاربردترین آرایه‌ها در لغزها و چیستانهای عثمان مختاری، پارادوکس یا متناقض‌نماست که به دلیل فراوانی کاربرد، به یکی از ویژگیهای ذاتی لغز و چیستان در شعر عثمان مختاری تبدیل شده است و میتواند یک مشخصه سبکی قابل توجه تلقی شود. نمونه‌های پارادوکس در لغزها و چیستانهای عثمان مختاری به قرار زیر است:

گنگ سخن سرایی و کر سخن پذیر بی عقل، راهنمایی و بی علم، راهبر (مختاری، ۱۳۹۱، ۱۷۲)

لال سخنگو، کر شنوا، راهنمای بی عقل، رهبر بی علم، چهار پارادوکس در وصف کتاب و دفتر.

ناریست آب رنگ و شرار اندرو حباب آبیست نار فعل و حباب اندرو شرر (همان: ۱۷۶)

آتش آب رنگ و آب آتش فعل دو پارادوکس برای توصیف شمشیرآمده است.

مقتول و قاتل است و جوانمرد و بی وفا مظلوم و ظالم است و ستمکار و دادگر (همان: ۱۷۸)

چهار تصویر پارادوکس برای وصف قلم آورده است.

گفت پس چیست آن جماد حکیم لنگ و رهوار و تندرست و سقیم (همان: ۷۳۵)

لنگ راهوار و تندرست سقیم دو تصویر پارادوکس برای تداعی کردن تصویر قلم است.

نازکی سخت و تیره بی روشن سرد و خون‌ها ازو بجوشیده

آتش انداز ابر سایه فکـن مانده عریان و حله پوشیده
(همان : ۷۳۶)

نازک سخت ، تیره روشن ، سردی که خون را به جوش می آورد ، عریانی که حله بر تن دارد
تصاویر دیگری در وصف شمشیر است .

اوست آن الکن با معنی و لفظ بی حد اوست آن اصلع با طره و زلف بسیار
(همان : ۱۵۹)

لال سخنور و کچل بسیار مو دو تصویر پارادوکس در توصیف چنگ است .

ب) تضاد

در ساختار پارادوکس ، آرایه تضاد عامل اصلی است . به این جهت، فراوانی تضاد در لغزها و چیستانها امری بدیهی میباشد. از میان نمونه های فراوان این آرایه ، برخی را ذکر میکنیم و به جهت تکراری بودن بیشتر ابیات، به ذکر شماره صفحه بسنده میکنیم .

شاهد/غایب ، مطیع / عاصی ، امین / خاین . (ر.ک. همان : ۲۹) تندرست / بیمار ، سمین / لاغر ، خشک / تر ، زیر / زبر . (ر.ک. همان : ۱۶۸) مقتول / قاتل ، جوانمرد / بی وفا ، مظلوم / ظالم ، ستمکار / داد گر . (ر.ک. همان : ۱۷۸) نور / ظلمت ، شب / روز ، نیک / بد ، نفع / ضرر
(ر.ک. همان : ۱۷۲)

ج) جناس

انواع مختلفی از آرایه جناس را میتوان در ابیات لغزها و چیستانها مشاهده کرد. از جمله:

- جناس تام : میان لغات خطا و خطا ، گور و گور ، یمین و یمین .
- جناس زاید : میان لغات نام و نامه
- جناس اشتقاق و شبه اشتقاق : میان لغات یمین و میمون ، و یمین و یمانی در ابیات ذیل:

چیستان نیزه:

سرش از هند و قامتش ز خطاست گرد او گشتن سپهر خطاست
(همان : ۴۴۵)

چیستان تیر و کمان:

چون ببوسید چرم روده گور / شیر نر را کناره گیرد گور
صفت دست گشاینده بخشنده:
(همان : ۴۴۵)

نام تأیید و نامه احسان / چشم روزی و چشمه حیوان
چیستان شمشیر:
(همان : ۷۳۴)

گفتم این یمانی میمون بمین لوست / کز یمن جود را به یمینش بود یمین
(همان : ۴۴۵)

(د) تنسیق الصفات

در صفت کتاب و دفتر:

نپردازی همی چشم و زبان و خاطر و دل را / از آن دلخواه مشکین زلف عنبر خط سیمین بر
در صفت شمشیر:
(همان : ۱۴۱)

آن ز مرد صورت کُر گوه لبر الماس فعل / آن نهنگ آسای اژدرها نهیب مار سم
(همان : ۳۲۰)

(ه) اغراق

در صفت شمشیر:

جهان بسوزد و از وی حذر کند دوزخ / اگر جهد شرری ز آن دو روی پر ز شرر
در صفت شمشیر:
(همان : ۱۶۶)

بروی او نگرد چشم مرگ ماند کور / صلیل او شنود گوش عمر ، گردد کر
(همان : ۱۶۷)

چیستان دست بخشنده ممدوح:

بارنده تر ز ابر و توانا تر از فلک عالی تر از گمان و مهتا تر از یقین
(همان: ۴۴۵)

(و) تناسب (مراعات النظیر)

شاعر در موارد بسیاری جهت توصیف و ملموس نمودن موضوع لغز و چیستان از آرایه تناسب استفاده نموده است. برای نمونه، ابیات ذیل به ترتیب با اصطلاحات مربوط به بروج فلکی، صید و دریا، جنگ و آلات رزم، اعضای بدن، تیراندازی، چهارطبع و عناصر اربعه در جهت وصف خوان کرم، سفینه کتاب و دفتر، قلم، انگشتری، چنگ، شمشیر و دست گشاینده بخشنده آورده شده است:

حمل و جدی ودلو و حوت سپهر جان شیرین بدو دهند از مهر
(همان: ۷۴۱)

اکلیل بسته بر سر و مه زیر دست و پای پروین نهاده بر دهن و مهر بر جبین
(همان: ۴۴۵)

بصر غواص و او گوهر، خرد دریا و او کشتی مرآن را جلد او گرداب و این را بند آن لنگر
(همان: ۱۴۱)

دلیل راه عقل آن آسمان فعل زمین زاده شجاع رزم نطق آن کهربا درع شبه مغفر
(همان: ۱۴۰)

بجای سینه دهان و بجای گردن چشم بجای دیده ش تارک بجای کتف عذار
(همان: ۱۵۹)

آن کمان پشت که بر حلق و سرین و زانوش ساخته در هم، تیر و هدفش سوفار
(همان: ۱۵۹)

طبعش همی ز خوردن خون معتدل شود کو سرد و خشک باشد و خون باز گرم و تر
(همان: ۱۷۷)

ز) استعاره

سپهر مستقیم است او که هست اندر میان او شب و روز و زمین و چرخ و ماه و مهر و بحر و بر
(همان : ۱۴۲)

بیت در توصیف سفینه کتاب و دفتر آمده است. « فلک مستقیم در اصطلاح هیئت به معنی خط استوا و مدار معدل النهار است که آن را کره منتصبه نیز میگویند. » (همان : ۱۴۲) شاعر خط عمودی میان کتاب و دفتر را به نصف النهار و سطور افقی آن را به مدار استوا تشبیه کرده که همان فلک مستقیم را تداعی میکند و با حذف مشابه استعاره ساخته است.

ح) حسن تعلیل

شخص و فرقی زعفران و سرمه را ماند ، وز این شاد و روشن باشد از فعلش دل و چشم حشم
(همان : ۳۲۲)

دارد از زعفران و سرمه نهاد ز آن کند چشم روشن و دل شاد
(همان : ۷۳۵)

هر دو بیت در صفت خامه و قلم سروده شده است : اگر قلم و نوشته حاصل از قلم ، چشم را روشنی میبخشد و دل را شاد میکند به این علت است که وجود قلم ، آمیخته‌ای است از زعفران شادی بخش « رنگ زرد نی » و سرمه روشنی بخش چشم « جوهر و مرکب سیاه »

مشری رویی و گویی عاشقی بر روی خویش زین چو مهرویان ، مدام آینه باشد با تو یار
(همان : ۱۰۵)

این بیت مربوط به لغز شمع است . در یک طرف برخی از شمعدانها آینه‌ای نصب میکردند تا نور مضاعف داشته باشند. از این جهت با حسن تعلیل ، شمع را به زیبا رویی تشبیه کرده که همواره آینه‌ای همراه خود دارد.

ط) حسو ملیح

چون تواندر جلوه آیی چون سپهر ای نوعروس سوسن زرین بر آری از دل سیمین زمین
چون تواندر خنده آیی چون نجوم ای نو بهار تخت سیمین را کنی گاورسۀ زرین نثار
(همان : ۱۰۵-۱۰۶)

ابیات مربوط به لغزشمع است : «سپهرو نجوم در بیت نخست ، مشبه به بیت بعد است و ای نو عروس و ای نو بهارحشو ملیح است. » (همان :۱۰۵)

ی) اشاره به برخی رسوم

پنهان کنند بزرگان بچشمش اندر زهر دهند ازو ملکان زهر خورده را زنهار این بیت مربوط به لغز انگشتی اشاره به دو رسم دارد : ۱- معروفست که بزرگان و اکابر قدیم در زیر نگین انگشتی خود زهر پنهان میکردند که در موقع ضرورت بدان وسیله خود را هلاک کنند و زنده به دست دشمن اسیر نشوند. ۲- دادن انگشتی از طرف پادشاهان به کسی ، علامت زنهار دادن بوده است. و از این جهت آن را انگشتی زنهار گفته اند . « (همان : ۱۴۶)

ک) خلق تعابیر بکر و شیرین

مادرت را نیش اندر دم بود و نوش اندر دهان و برادرت از لبان دلبران دارد نشان
چون تونیش اندر دهان داری و نوش اندر کتار چون تویی عشق از رخان بی دلان داری شعار
(همان : ۱۰۶)

در لغز شمعبا تعبیری بکر ، زنبور عسل را که موم شمع از او زاییده میشود ، مادر شمع خوانده و « انگبین (عسل) را برادر موم خوانده و از آن تعبیر شیرین شاعرانه کرده است. » (همان : ۱۰۶)

۵- بررسی ساختاری لغزها و چیستانها

۵-۱- بررسی ساختار لغزها و چیستانها به لحاظ سبک شناسی

عثمان مختاری مانند سایر شاعران اواخر عهد خراسانی و سلجوقی ، ویژگیهای سبکی شعر قرن ششم را در اشعار خود بروز داده است . از جمله این ویژگیها میتوان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱) وفور لغات و اصطلاحات عربی؛ ۲) وفور ترکیبات نو؛ ۳) فقدان برخی از لغات کهن سبک خراسانی و کم شدن نسبی بسامد برخی از مختصات قدیم آن خصوصا در سطح آوایی؛ ۴) کاسته شدن روشنی و سادگی و روانی و حرکت زبان به سوی دشواری. (شمیسا ، همان : ۱۷۶)

۵-۱-۱- وفور لغات و اصطلاحات عربی

لغات عربی به کار رفته در لغزها و چیستانهای دیوان عثمان مختاری حد متعادلی دارد و عمدتاً لغات متداول میباشد. مانند: «مشاطه، بلعجب، طرفه، شعار» (ر.ک: مختاری، همان: ۱۰۶) و «جرم، مستجاب، ثمین، التفات، شریف، زوال، عنایت، حمایت، افتتاح، جبین، اقبال» (ر.ک: همان: ۷۳۲-۷۳۳) اما برخی از لغات دشوار و نا مأنوس عربی نیز در آن به کار رفته است. نظیر: «خایب، ساکب، خاطب، صایب» (ر.ک: همان: ۲۹) و «قوآله» (همان: ۳۳) و «اصلع» (همان: ۱۵۹) و «صلیل» (همان: ۱۶۷)

۵-۱-۲- وفور ترکیبات نو

در لغزها و چیستانهای عثمان مختاری، ترکیبات نادر زیادی میبینیم. از آنجا که چیستان و لغز بر پایه تشبیه استوار است؛ بنابراین این، شاعر ترکیبات فراوانی را به منظور مجسم نمودن موضوعات مورد نظر خود ساخته است که از جمله به موارد ذیل اشاره میشود:

- در توصیف قلم: کهربا تن شبه سر، مرغ زرین بال، مار مشکین ناب. (ر.ک: همان: ۳۳)
- در توصیف شمع: نگار کهربا پیکر، بت یاقوت سار، آتش عنبر دخان، عنبر آتش بخار، آفتاب چرخ سوز، شهاب ماه تخت، شنبلیله گل گداز، خیزران لاله بار، گاورسه زرین. (ر.ک: همان: ۱۰۵-۱۰۶)

- در توصیف قلم: دو ناب سیاه سحر نمای، زرد ماهی گل خوار. (ر.ک: همان: ۷۳۵)
- در وصف دست گشاینده بخشنده: نهال عطا، پیکر رادی، بحر افضال. (ر.ک: همان: ۷۳۴)

۵-۱-۳- فقدان برخی از لغات کهن سبک خراسانی:

لغات کهن خراسانی در لغزها و چیستانهای عثمان مختاری به ندرت دیده میشود و آن چه به کار برده است معمولاً در قالب فعل است و میتوان برخی از ویژگیهای سبک‌شناسی را در آن یافت:
در لغز قلم:

رونده بادی کز جزو خاک در هنجد بر آب نقش پذیرنده چون آتش لاعب
(همان: ۲۹)

در هنجد: از فعل هنجیدن، به معنی برکشیدن و دور انداختن و عزم کاری کردن.

در صفت سفینه کتاب و دفتر:

نشکاید از تو تا نشود زیب تو تمام ناید بر تو تا نخورد تیغ بر جگر
(همان : ۱۷۳)

نشکاید : از فعل شکبیدن .

در صفت شمشیر:

ز آن چرخ مثالست کز نهیبش او را بنسوده ست فعل از ارکان
(همان : ۴۱۱)

بنسوده : از فعل سوندن.

در صفت تیر و کمان:

یک رشی قامتش چو بگرازد همه روی زمیــــن بپردازد
(همان : ۷۳۹)

بگرازد : از فعل گرازدن.

در صفت اسب:

زعفران گاه ساید از نسـرین گاه پولاد سوئند از پروین
(همان : ۷۴۰)

سوئند : از فعل سونیدن به معنی ساییدن.

۵-۲- ریخت شناسی لغزها و چیستانها در دیوان عثمان مختاری

در این بخش از مقاله ویژگیهای ظاهری لغزها و چیستانها در چند مقوله وزن، قافیه، اشعار مدحی، تعداد و عناوین لغزها و چیستانها، نظم و ترتیب و پراکندگی مورد بررسی قرار میگیرد

۵-۲-۱- وزن شعر در لغزها و چیستانها

یکی از ویژگیهای اشعار عثمان مختاری، توجه خاص او به وزن عروضی اشعار است. بررسی کامل اوزان شعری دیوان وی خارج از حوصله این مقاله است و فقط به بررسی چند مورد خاص که به موضوع مقاله مربوط است میپردازیم .

ابتدا وزن مثنویهنرنامه یمینی را مورد بررسی قرار میدهیم : این مثنوی که شامل چندین چیستان است ،هم وزن مثنوی حدیقه الحقیقه سنایی سروده شده است در بحر « خفیف

مخبون مقصور ، (فاعلاتن ، مفاعلن ، فعلات) یا (فاعلاتن ، مفاعلن ، فعلن) بقاعدهٔ توازن زحاف قصر با حذف و مخبون با سالم که ارباب فن عروض هم معترض شده اند ، ساخته شده است ؛ مشتمل بر مسائل عالی علمی مخصوصاً فلسفه و نجوم به سبک و شیوه یی تازه که در مثنویهای فارسی بی سابقه است و باید مختاری را پیشوا و مبتکر این طرز مثنوی شمرد؛ چرا که در مثنویهای قدیم که در وزن بحر خفیف به این سبک و سیاق ساخته شده باشد ، تنها حدیقه‌سنایی است که به احتمال زیاد تحت تأثیر هنر نامهٔ یمینی سروده شده است .» (همان : ۶۹۶)

قصیده‌ای که عنوان لغز قلم دارد ، و با مطلع :

نباتی که به حیوان همی بود راغب بروح نامیه از نفس ناطقه نایب
(همان : ۲۹)

در بحر (مجتث مثنی مخبون محذوف) سروده شده است. قصیده با عنوان الحاقی صفت زمستان که شامل چندین لغز است در بحر (هزج مثنی سالم) سروده شده است . (همان : ۱۳۴)

استاد همایی در باب وزن قصیده‌ای که در مدح خواجه ابوالمظفر بن ابوالفتح سروده شده و لغز قلم را در خود دارد چنین نگاشته است : « این قصیده از غرر قصاید مختاری محسوب میشود از بحر قریب اخرب مکفوف است بر وزن (مفعول مفاعیل فاعلاتن) . نگارنده با تتبع متمادی که در آثار گویندگان سلف داشته ام مابین قصاید وصفیهٔ صیفیهٔ فارسی ، همسنگ این قصیده را به این تمامی و خوش اسلوبی که حاوی همهٔ جهات بلاغت و جزالت و استحکام و ابداع مضامین و تشبیهات و استعارات تازهٔ دلپسند باشد بندرت یافته ام ، چندانکه می توانم دعوی کنم که حداکثر نظایر این قصیده در آثار شعرای فارسی از شمارهٔ ده انگشت تجاوز نخواهد کرد. » (همان : ۳۹۹)

۵-۲-۲- قافیه و ردیف در لغزها و چیستانها

هیچکدام از قصایدی که عثمان مختاری در آنها لغز و چیستان به کار برده ، مردّف نمیباشد. تنها در میان چیستانهای مثنوی هنر نامهٔ یمینی گاهی به ابیات مردّف بر میخوریم. از جمله:

در چیستان دولت جوان:

گفت پس چیست آن جوان لطیف روزی خلق در عنایت اوست
چون خرد عالی و چو روح شریف دلار اسلام در حمایت اوست
(همان : ۷۳۳)

در چیستان نام ارجمند:

گفت پس چیست آن چراغ زمان مهر دارد نگین دولت ازو
جوهر فخر و کیمیای امان نور گیرد جبین دولت ازو
(همان : ۷۳۳)

در چیستان شمشیر:

گفت پس چیست آن زدوده گهر چون کند نعت او زبان قلم
بحر پر در و چرخ پر گوهر پر جواهر شود میان قلم
(همان : ۷۳۶)

در بعضی از قصاید تمام قافیه‌ها عربی است. مثلا در لغز قلم ، قافیه‌ها عربی و بر وزن فاعل است مانند: «نایب ، غایب ، خایب ، ثاقب و غیره.» (ر.ک. همان : ۲۹) قافیه‌ها معمولاً لغات ساده و کوتاه است مانند: «بخار ، مار ، بار ، آبدار ، یار ، بهار ، نثار ، شعار» (ر.ک. همان : ۱۰۵-۱۰۶) مربوط به لغز شمع؛ یا «بقم ، سم ، الم ، اصم ، شم ، غم ، عدم ، بم » (ر.ک. همان : ۳۲۰-۳۲۱) مربوط به صفت شمشیر و صفت اسب.

۵-۲-۳- جایگاه لغزها و چیستانها در ساختمان اشعار :

تمامی لغزها و چیستانهای دیوان عثمان مختاری در راستای مدح ممدوح سروده شده است . در این میان ، تنها در سه قصیده ، لغز ، تشبیب واقع شده است: (۱) لغز قلم در مدح ابو شجاع بن ابو غالب دبیر. (همان : ۲۹) (۲) لغز شمع در مدح عضد الدوله مغیث الدین فنا خسرو. (همان : ۱۰۵) (۳) لغز انگشتی در مدح خواجه ابوالمظفر ابوالفتح . (همان : ۱۴۶)

مابقی لغزها و چیستانها در میانه قصاید به صورت (قطعه القصیده) آورده شده است و البته شاعر در هیچ موردی به طور خاص ، لفظ لغز و چیستان را در آنها به کار نبرده است و استاد همایی بارها در پاورقی صفحات دیوان یادآوری کرده است که: « این عنوان در هیچ یک از

نسخ مورد استفاده نوشته نشده است، نگارنده مخصوصاً علاوه کردم تا معمای مضامین اشعار برای خوانندگان حل شده باشد.» (همان: ۱۴۶)

همچنین در دو قصیده با عناوین الحاقی لغز شمع (همان: ۱۰۵) و صفت سفینه کتاب و دفتر (همان: ۱۷۱) شمع و کتاب منادا واقع شده است و در جایگاه تشبیب قصیده قرار گرفته است.

۵-۲-۴- عناوین لغزها و چیستانها و بسامد آنها

در دیوان عثمان مختاری روی هم رفته ۲۱ عنوان لغز و چیستان با بسامد های مختلف دیده میشود. بیشترین بسامد مربوط به قلم و خامه است در هشت مورد و پس از آن شمشیر است که هفت بار آمده است. سفینه کتاب و دفتر و اسب هر کدام سه بار و دست بخشنده ممدوح دو بار آمده است. مابقی موضوعات که شامل: جنگ، انگشتری، ابر، شمع، آتش، بارگیر، چشم، رمح، تیر و کمان، مهد و مرقد و تخت روان، جنگ و کارزار، همت بلند، خوان کرم، دولت جوان، نام شاه نامور و حضرت یعقوب (ع) است، هر کدام یک بار آورده شده است.

۵-۲-۵- پراکندگی و تعداد ابیات لغزها و چیستانها

لغزها و چیستانهای دیوان عثمان مختاری به لحاظ تعداد ابیات یکسان نیست، اما بخش قابل توجهی از آن، تابع نظم خاصی میباشد:

در قصیده‌ای که در مدح شهاب الدوله ملک تکین سروده «دو صنعت مهم بدیعی سؤال و جواب و چیستان (=لغز) را با هم ترکیب کرده و در هر دو جهت کمال استادی را به خرج داده است.» (همان: ۴۴۴) در این قصیده سه چیستان با نظمی خاص آورده شده است: سؤال در سه بیت مطرح شده و بیت چهارم که پاسخ چیستان است، با لفظ «گفتا» پاسخ داده میشود. (ر.ک. همان: ۴۴۵)

در مثنوی هنرنامه یمینی، شاعر از زبان ستاره شناس، ده چیستان را با همان فرم سؤال و جواب مطرح میکند که هر ده مورد با عبارت: «گفت پس چیست آن» آغاز میشود، چیستان را درده بیت مطرح میکند، سپس پاسخ آن را در دو بیت بعدی می آورد و آن را با کلمه «گفتم» آغاز میکند. (ر.ک. همان: ۷۳۲-۷۴۱)

در بخش قصاید دیوان عثمان مختاری، لغز و چیستان، هردو دیده میشود. در مثنوی هنرنامه یمینی فقط چیستان آمده است و لغز وجود ندارد. در بخش قطعات تنها یک لغز -

لغز چشم- دیده میشود . و بالاخره در مثنوی شهریار نامه تنها یک چیستان- چیستان حضرت یعقوب (ع) - دیده میشود.

۶= نتیجه

معما ، لغز و چیستان از نخستین آفرینشهای هنری ذهن بشر است که با مکتوب شدن آثار ادبی ، به صورت منسجم به متون ادبی راه یافته است. لغز و چیستان، بعد از اسلام از همان ابتدای سرودن شعر فارسی دری، در شعر رودکی راه پیدا کرده و تا قرن پنجم و ششم در اشعار بسیاری از شاعران ، به صورت تفنن ادبی ظاهر شده است.

طرح معما نیز با تعریفی که در ابتدای مقاله آورده شد مستلزم دانستن و به کار گرفتن دانشهای خاص است و به همین سبب در قرون پنجم و ششم توجه چندانی به آن نشده است. به این دلیل در دیوان اشعار عثمان مختاری و بسیاری از شاعران معاصر او نمیتوان نشانی از معما پیدا کرد. بنابر این ، عثمان مختاری به لغز و چیستان توجه خاصی نشان داده و آن را در انواع قالبهای شعری به کار گرفته است.

لغزها و چیستانهای دیوان مختاری به لحاظ محتوایی و ساختاری دربر دارنده ویژگیهای سبکی شعر قرن ششم است و شاعر توانسته موضوعات متنوعی را در انواع قالبهای شعری به صورت لغز و چیستان مطرح کند و توانمندیهای ادبی و علمی خود را در آن به زیبایی به نمایش بگذارد و به نوعی سبک خود را ابداع کند. او محتوای لغزها و چیستانها را با به کارگیری انواع علوم و صناعات ادبی غنی کرده است و با خلق پارادوکسهای فراوان بر لذت کشف معما افزوده است . همچنین در ساختار لغزها و چیستانها علاوه بر کاربرد آرایه های مختلف ادبی که موجب زیبا شدن کار او شده است ؛ با بهره گیری از اوزان شعری خاص ، تنوع مضامین ، به وجود آوردن نظم در تعداد ابیات لغزها و چیستانها شیوه‌ای منحصر به فرد به وجود آورده است و از این حیث میتوان او را در میان شاعران عهد غزنوی ، شاعری صاحب سبک در خلق انواع لغز و چیستان به شمار آورد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
- ۲- المعجم فی معاییر الاشعار العجم، شمس‌الدین محمد بن قیس الرازی، به اهتمام جلال‌الدین همایی و ناصرالدین شاه حسینی، انتشارات ذهن آویز، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴.
- ۳- برهان قاطع، خلف تبریزی، محمد حسین، ۵ جلد، محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۹۳.
- ۴- ترجمان البلاغه، محمد بن عمر رادویانی، احمد آتش، چاپخانه ابراهیم خروس، چاپ اول، استانبول، ۱۹۴۹.
- ۵- چیستان، مقبول دیروز، مغفول امروز، هاشمی، سید علیرضا، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
- ۶- چیستان، نخستین تجلی‌گاه تصویرهای پارادوکسی در شعر فارسی، برج ساز، غفار، فصلنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۳۹.
- ۷- حدایق السحر فی دقایق الشعر، رشیدالدین محمد عمری کاتب البلخی - وطواط -، تصحیح عباس اقبال، مطبعه مجلس، تهران.
- ۸- دیوان عثمان مختاری، عثمان بن عمر مختاری غزنوی، به اهتمام جلال‌الدین همایی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۱.
- ۹- ریخت‌شناسی چیستانهای منظوم محلی، ذوالفقاری، حسن، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- ۱۰- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۱- سیر تحول و کاربندی چیستان در شعر فارسی، سیدغراب، علی اصغر، مجله نشر دانش، شماره ۹۶، ۱۳۷۹.
- ۱۲- فرهنگ جهانگیری، اینجوی شیرازی، جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن، ویراسته رحیم عقیفی، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۵۹.
- ۱۳- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، نشر هما، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۴- گزیده اشعار رودکی، پژوهش و شرح: جعفر شعار، حسن انوری، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۹.